

چالش‌های پیش روی شهرنشینی نامتعادل در ایران

مسعود صفایی پور*، محمدرضا امیری فهلیانی^{□□}، کاظم دنان^۳

۱- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲- دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران*

۳- دانشجوی دوره دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان، ایران

چکیده

در نیم قرن اخیر، در ایران توسعه سرمایه‌داری در چارچوب اقتصاد متکی به نفت، سبب رکود بخش کشاورزی و رشد سریع شهرها گردید. این رشد سریع شهرنشینی به صورت متعادل صورت نگرفت، بلکه سبب رشد شهرهای بزرگ و مانع رشد شهرهای کوچک و روستاها گردید. و به رغم دگرگونی‌ها در نظام شهری ایران، سیمای اسکان و استقرار جمعیت و شهرها تصویر مناسبی را به دست نمی‌دهد. به طور واضح روشن است که گسترش سریع شهرنشینی در ایران به نوبه خود امید به آینده‌ای بهتر را برای میلیون‌ها انسان شهرنشین از لحاظ داشتن وضعیت اقتصادی و اجتماعی به یک کابوس بدل کرده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی سعی بر آن دارد با دیدی علمی و استدلالی به بررسی بازتاب‌های شهرنشینی نامتعادل در مناطق شهری ایران و تاثیرات این فرایند در بعد فضایی و در نهایت به تاثیرات این روند در شبکه شهری ایران پرداخته شود. نتایج بدست آمده از واکاوی علمی شهرنشینی نامتعادل حاکی از آن است در صورت ادامه این روند در شهرنشینی ایران شاهد توسعه اجتماعی و اقتصادی ناپایدار، از جمله افزایش درآمد نابرابر، ائتلاف منابع، تخریب محیط زیست، ورود آسیب به میراث طبیعی و فرهنگی ایران خواهیم بود.

واژگان کلیدی: تخریب محیط زیست، عدالت اجتماعی، توسعه پایدار، اسکان غیر رسمی، اکوسیستم چندسطحی

مقدمه

امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند. و در این جهان شهری، شهرها به عنوان کانون‌های اجتماعی ظاهر می‌شوند. توسعه اقتصادی و مکانی، آن‌ها را به عرصه مناسب برای پیگیری سیاست‌های خاص زیست محیطی و اجتماعی و اقتصادی کرده است (Conolly, 2007). شهرنشینی و مهاجرت داخلی بعنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده رشد و پویایی جمعیت در جمهوری اسلامی ایران شناخته شده‌اند. طی سه دهه اخیر سالانه بطور متوسط یک میلیون نفر در میان مرزهای کشور جابجا شده‌اند که ۱۷٪ این جمعیت هم اکنون در مناطق شهری زندگی می‌کنند. انتظار می‌رود که این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۸۰٪ برسد. کشور ایران در حال حاضر سیاست یکپارچه و هماهنگی در رابطه با شهرنشینی ندارد. شهرداری‌ها و فرمانداری‌ها در سطح شهرستان‌ها، در دهه‌های اخیر سیاستها و برنامه‌های منطقه‌ای تدوین نموده‌اند و در این رابطه فقط سیاست‌های پراکنده‌ای همچون برنامه توسعه روستایی، برنامه جابجائی و انتقال پایتخت و برنامه‌های توسعه کشاورزی هستند که بر موضوعاتی از این دست تاثیر می‌گذارند (iran.unfpa.org). یکی از عوامل افزایش جمعیت در شهرهای ایران مهاجرت می‌باشد. مهاجرت یکی از عوامل تغییر جمعیت است که دارای اثرات منفی و مثبت، دراز مدت و کوتاه مدت است و این اثرات تغییراتی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی منطقه مهاجر فرست و مهاجر پذیر وارد می‌کند و می‌تواند از نظر اجتماعی اثراتی مانند افزایش بیکاری، افزایش جمعیت در مقصد، مشکل تهیه مسکن افزایش آسیب‌های اجتماعی و از نظر اقتصادی می‌تواند اثراتی مانند پایین آمدن درآمدها و تورم داشته و نیروی انسانی بیکار را به سمت شهر-هایی که با کمبود نیروی انسانی مواجه هستند سوق دهد و یا اثرات مخرب دیگری را نیز در بخشهای دیگر اجتماعی و اقتصادی به جا بگذارد (زکی، ۱۳۹۱: ۸۴). به اعتقاد تودارو مهاجرت بیشتر واکنشی نسبت به تفاوت درآمد مورد انتظار در شهر و روستا است. همچنین به اعتقاد وی، اشتغال در مهاجرت تأثیر دارد، بنابراین عامل اشتغال و درآمد را تلفیق کرده است (تودارو، ۱۳۶۷: ۳۹۶-۳۹۳). افزایش شدید میزان شهرنشینی می‌تواند تبعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی را هم در سطح جامعه و هم برای فرد شهری شده داشته باشد. افزایش شهرنشینی توأم با ضعف و نابودی اقتصاد کشاورزی و افزایش توقعات صنعتی و خدماتی است، انتظاراتی که حتی کلان شهرهای ایران نیز تا بحال نتوانسته‌اند آن را برآورده نمایند. رشد جمعیت شهری، بخصوص در کلان‌شهرها باعث عدم تعادل شهرنشینی در سیستم شهری ایران شده است. توسعه جمعیتی و اقتصادی شهرهای بزرگ نه بخاطر رشد و توسعه شهرهای کوچک و متوسط و تبدیل شدن آن‌ها به شهرهای بزرگ بلکه خود حاصل تمرکز هر چه بیشتر جمعیت در شهرهای بزرگ ایران و به تبع آن جذب هر چه بیشتر خدمات و شاخص‌های اقتصادی در این شهرها و رشد غده‌وار این شهرها بخصوص شهر تهران در شبکه شهری ایران است. به طور واضح روشن است که گسترش سریع شهرنشینی در ایران به نوبه خود امید به آینده‌ای بهتر را برای میلیون‌ها انسان شهرنشین از لحاظ

داشتن وضعیت اقتصادی و اجتماعی به یک کابوس بدل خواهد کرد. تخریب شتابان محیط زیست، ناامنی و فقر، کمبود و ضعف خدمات و امکانات شهری، آلودگی هوای شهرها، رشد اقتصاد غیررسمی در شهرها از جمله مسائل و مشکلاتی است که با گسترش شتابان شهرنشینی گریبانگیر شهرهای ایران خواهد شد. ماهیت نامتعادل رشد شهرها در ایران باعث ایجاد نگرانی‌های قابل توجهی در مورد علل پیدایش آن شده است. در نیم قرن اخیر، در ایران توسعه سرمایه‌داری در چارچوب اقتصاد متکی به نفت، سبب رکود بخش کشاورزی و رشد سریع شهرها گردید. این رشد سریع شهرنشینی به صورت متعادل صورت نگرفت، بلکه سبب رشد شهرهای بزرگ و مانع رشد شهرهای کوچک و روستاها گردید (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۵۱). نظام پخشایش جمعیت در ایران متعادل نیست و به رغم دگرگونی‌ها در نظام شهری ایران، سیمای اسکان و استقرار جمعیت و شهرها تصویر مناسبی را به دست نمی‌دهد. الگوی مناسب اسکان و روند توزیعی آن نیز بیش از پیش به سوی عدم تعادل و نابسامانی گرایش یافته و تحول خواهد یافت (نظریان، ۱۳۸۸: ۱۸۴). مطالعاتی که در مورد شهرهای ایران انجام شده و دلالت بر آن دارد که هیچ کدام از شهرهای ایران در رسته‌ی شهرهای جهانی قرار نمی‌گیرند از جمله مطالعات تاجبخش (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) درباره تهران به این نتیجه رسیده که تهران را نمی‌توان شهر جهانی نامید. با این حال کلان‌شهرهای ایران روز به روز بر گسترش و توسعه خود در سیستم شهری می‌افزایند و فاصله خود را از شهرهای کوچک افزایش می‌دهند و نظام توسعه شهری و سلسله مراتب آن را با مشکلات و تنگناهای عدیده ای روبرو ساخته است.

به هر حال، جهانی شدن در حال رخ دادن و پیشروی به سوی آینده‌ای مبهم است. در حالی که این فرایند بسیاری از زمینه‌های زندگی اجتماعی ما را متأثر ساخته، بر محیط فیزیکی ما نیز تأثیرگذار بوده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶). با روندی که شهرنشینی در ایران طی می‌کند باید منتظر رویارویی با چالش‌هایی باشیم که این روند همراه با خود به دنبال دارد. این پژوهش به ما کمک می‌کند تا با دیدی علمی و همراه استدلال‌های منطقی این چالش‌ها را مشخص کرده و مدیریت شهری را آگاه از مسائل پیش رو کند. و با توجه به شواهد و وضعیت کنونی شهرهای ایران و استفاده از منابع معتبر خارجی و داخلی آینده‌ای که شهرهای ایران با این روند شهرنشینی با آن مواجه می‌شود به تصویر کشیده و بازتاب‌های شهرنشینی نامتعادل را در شبکه شهری ایران با توجه به مشکلاتی که با آن روبرو است، مورد کنکاش و تحلیل قرار می‌دهد. که یکی از بارزترین این مشکلات، توزیع نامناسب نظام شهری است که عمدتاً بر پایه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیت در چند نقطه در یک شبکه شهری بزرگ است.

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سولات زیر می باشد:

- ۱- عمده ترین عوامل موثر بر ایجاد شهرنشینی نامتعادل بر ساختار شبکه شهری ایران کدامند؟
- ۲- مهمترین پیامدها و مظاهر منفی شهرنشینی نامتعادل بر ساختار شبکه شهری ایران کدامند؟

مبانی نظری

روند کنونی شهرنشینی در جهان و ایران

سال ۲۰۰۸ به احتمال زیاد به عنوان یک لحظه فراموش نشدنی مهم در تاریخ اسکان جمعیت انسانی یاد می‌شود: برای اولین بار، نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند (UN-HABITAT, 2008. 11) در نتیجه تفاوت در

میزان شهرنشینی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه همواره از سال ۱۹۷۵ رو به کاهش است. در سال ۲۰۰۷ حدود ۷۴ درصد از جمعیت کشورهای توسعه یافته و ۴۴ درصد از جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق شهری زندگی می‌کردند، و برآورد شده تا سال ۲۰۵۰، ۸۶ درصد و ۶۷ درصد به ترتیب در شهرهای این کشورها زندگی کنند (United Nations, 2008: 4). رشد نامتوازن منطقه ای جمعیت جهان، تمرکز فرایندهای توسعه در شهرها، و تحول اجتماعی و اقتصادی برخی از کشورهای در حال توسعه و ظهور بازارها از دلایل اصلی این روند می‌باشند (Stratmann, 2007). در قرن بیستم و قرن حاضر نیز کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از جمله ایران و کشورهای همسایه از این قانون جدا نبوده‌اند، به گونه‌ای که رشد پرشتاب جمعیت شهری این کشورها هدایت شده و در چهاچوب نظام برنامه‌ریزی جامع ملی خود بر پایه‌ی هماهنگی‌های بخشی و منطقه‌ای انجام نشده است. با توجه به این نوع از الگوی توزیع جمعیت، طبیعی است که به دنبال تمرکز فعالیت‌ها و سرمایه در اطراف چند شهر بزرگ، حرکت‌های جمعیتی به سوی این مراکز خواهد بود. بدین ترتیب این الگوی جمعیتی، زمینه‌ی خلاء جمعیتی و کارکردی در سطوح متوسط و پایین کانون‌های شهری را به وجود می‌آورد و سلسله مراتب شهری، این گونه کشورها را گرفتار بحران می‌کند. ناکارایی سکونت‌گاه‌های بسیار کوچک و تنگنا و پیچیدگی سکونت‌گاه‌های بسیار بزرگ، همچنین دردهای ناشی از رشد و افول به این اندیشه انجامیده است که شهر می‌تواند همانند یک موجود زنده اندازه‌ی مناسبی داشته و رشد شهر در چنین اندازه‌ای پایدار شود (لینچ، ۱۳۸۴: ۳۱۳). روند رو به رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر، همگام با مهاجرت‌های شدید روستا شهری و همزمان با سیر تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی، از مهم‌ترین عوامل ایجاد الگوی نامتوازن نظام شهری در ایران بوده و تجمع و تمرکز جمعیت و فعالیت‌های مهم اقتصادی در چند قطب عمده، باعث شکل‌گیری آرایش فضایی ویژه‌ای گردیده که مؤید حاکمیت پدیده ماکروسفالی بر نظام شهری ایران است. طی سه دهه گذشته، که نقطه عطف تحولات جمعیتی در ایران است، به دلیل عدم مدیریت صحیح فضای ملی، به تدریج اندازه کلان شهرها و قطب‌های عمده جمعیتی بزرگتر شده، بر تعداد شهرهای کوچک افزوده شده، میزان جمعیت پذیری شهرهای میانی و کوچک کاهش یافته و خلاء سکونت‌گاهی در نظام سلسله مراتب کشور باعث تعمیق روزافزون شکاف در نظام شهری و گسیختگی شبکه شهری شده و عملاً نقش شهرهای میانی و کوچک در ایجاد تعادل از بین رفته است (سرمست و زالی، ۱۳۸۹: ۶۱). افزایش شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای متوسط و کوچک و تا اندازه‌ای روستا شهرها، عمل می‌کند تفاوت‌های ناحیه ای و سیاست‌های اداری تا اندازه ای به این مسائل دامن می‌زنند ولی مهمترین عامل در توزیع نامتعادل سلسله مراتب شهری، سیاست اقتصادی است. آنچه بیش از هر چیز قابل توجه است کشیدگی راس منحنی در هر دوره سرشماری به بالاترین حد افزایش جمعیت است که در این میان فقط چند شهر منطقه و متروپل ناحیه را توانسته است با خود به سطوح بالاتر ارتقاء دهد. در سطوح متوسط و پائین تر بجز افزایش تعداد محدود جمعیت شهرها و تعداد، شهرها، تغییرات چندانی به خود ندیده اند و تنها شهرهای صد هزار نفری به بالا توانسته اند به همراه افزایش اولین شهر، یا متروپل ملی، هم از نظر تعداد و هم از نظر اندازه، افزایش یابند. بدین ترتیب خصوصیات یک کلان شهر فائق و برتر* با ویژگیهای برتری، یک شهر را در سلسله مراتب شهری و شبکه فضائی در سطح ملی کاملاً

نمایان می‌سازد (نظریان، ۱۳۷۲: ۱۲۲). در جدول شماره ۱ به بررسی روند تغییرات جمعیتی چهار کلان شهر اول کشور در دوره های مختلف سرشماری پرداخته می شود؛

جدول ۱. تغییرات جمعیتی چهار شهر اول کشور در دوره‌های مختلف (به نفر)

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
تهران	۱۵۶۰۹۳۴	۲۷۱۹۷۳۰	۴۵۳۰۲۲۳	۶۰۴۲۵۸۴	۶۷۵۸۸۴۵	۷۷۱۱۲۳۰	۸۱۵۴۰۵۱
مشهد	۲۴۱۹۸۹	۴۰۹۶۱۶	۶۶۷۷۷۰	۱۴۶۳۵۰۸	۱۸۸۷۴۰۵	۲۴۱۰۸۰۰	۲۷۶۶۲۵۸
اصفهان	۲۵۴۷۰۸	۴۲۴۰۴۵	۶۶۱۵۱۰	۹۸۶۷۵۳	۱۲۶۶۰۷۲	۱۵۸۳۶۰۹	۱۹۷۸۱۶۸
تبریز	۲۸۹۹۹۶	۴۰۳۴۱۳	۵۹۷۹۷۶	۹۷۱۴۸۳	۱۱۹۱۰۴	۱۳۷۸۹۳۵	۱۴۹۴۹۹۸

منبع: (سالنامه‌های آماری، ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰)

رشد تعجب برانگیز شهر کرج به جهت نزدیکی به پایتخت، افزایش بسیار زیادی داشته و از یک شهر کوچک با ۱۴۵۲۶ نفر در سال ۱۳۳۵ خورشیدی به یک کلان شهر با ۱۶۱۴۶۲۶ نفر جمعیت در سال ۱۳۹۰ خورشیدی تبدیل شده و خود را به عنوان چهارمین کلان شهر بزرگ کشور بعد از اصفهان مطرح کرده است. شهرهای بزرگ کشور در سطحی پائین تر از ترتیب شهرها - از بالا به پائین و در سطحی بالاتر از ترتیب شهرها - از پائین به بالا، قرار گرفته اند، یعنی شهرهای بزرگ در سطحی بالاتر از ترتیب شهرها میان شهرهای کوچک و متوسط و پائین تر از متروپل ملی قرار گرفته‌اند. در مجموع هفت شهر بزرگ؛ مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، کرمانشاه و رشت از شهرهای پائین دست و بالا دست خود، یعنی تهران بریده‌اند و در نظام سلسله مراتبی آماری شهرهای کشور گسستگی به وجود آورده‌اند (نظریان، ۱۳۷۲: ۱۲۳).

روش تحقیق

با توجه به ماهیت و دامنه‌ی موضوع مورد مطالعه روش تحقیق در این مطالعه روش تحقیق اسنادی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از استدلال است و سعی شده با استفاده از منابع معتبر داخلی و خارجی این مسئله مورد واکاوی علمی قرار گیرد. در این پژوهش ابتدا با استفاده از مطالعات انجام شده‌ی مرتبط با موضوع تحقیق به تعیین چارچوب نظری تحقیق پرداخته شده است و سپس با استفاده یافته‌های موجود و واکاوی علمی، مساله مورد نظر تحلیل و بررسی شده تا بتوان با استفاده از آن پاسخی منطقی به سوالات تحقیق داده شود.

یافته های پژوهش

رشد بخش غیر رسمی در شهرهای ایران

شهرنشینی یک فرایند است، که اغلب به عنوان یک نتیجه مکرر از توسعه اقتصادی مشاهده می‌شود. ایجاد صنایع جدید در مناطق شهری باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، و تحریک تغییر کار از مناطق روستایی به مناطق شهری می‌شود. با این وجود رشد اشتغال در بخش رسمی ممکن نیست ساکنان جدید در حال رشد شهر را جذب کند و در نتیجه بسیاری از ساکنان جدید در نهایت جذب فعالیت‌های غیررسمی شهر می‌شوند (Elgin & Oyvat, 2013:36). غیررسمی یک پدیده گسترده است و باعث ایجاد چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جدی در سراسر جهان شده است. با این حال بسیاری از مسائل در مورد طبیعت و پیامدهای آن هنوز تا حد زیادی تحت بررسی یا حل نشده باقی مانده است (Hart, 2008). به عنوان مثال، شواهد ارائه شده در منابع موجود، موفق به ایجاد یک اتفاق نظر در مورد عوامل موثر بر بخش غیررسمی در میان محققان شده است. همچنین بسیاری از سوالات باز پایه دیگر از قبل اینکه آیا اندازه بخش غیررسمی در کشورهای با درآمد پایین بزرگتر است یا در کشورهای با درآمد بالا (Dreher and Schneider, 2010). تغییر از بخش روستایی به بخش غیررسمی شهری می‌تواند توسط چندین عامل جاذبه و دافعه صورت پذیرد. در بسیاری از موارد، بخش غیررسمی شهری فرصت بهتری نسبت به بخش روستایی ارائه می‌دهد. درآمد در بخش اشتغال غیررسمی شهری بالاتر از مشاغل روستایی و مناطق شهری تمایل به ارائه خدمات عمومی بهتری نسبت به محیط روستا می‌باشند (Lipton, 1976). حتی در مواردی که در آن شرایط بین دو بخش مشابه می‌باشد، بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند به انتظار یافتن یک فرصت شغلی در بخش رسمی در آینده، به بخش غیررسمی شهری بپیوندند (Banerjee, 1983). شهرنشینی سریع و افزایش نرخ رشد جمعیت در شهرها، توأم با بی‌برنامگی دولت‌ها و مدیریت ناکارآمد آنها در کنار تأثیرات ناشی از اقتصاد سیاسی، از یک سو موجب رواج بیکاری در شهرها، به ویژه مادرشهرهای کشورهای جهان سوم شده و از سوی دیگر تلاش در جهت تأمین حداقل معاش و رهایی از فقر اقتصادی، بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن در مادرشهرها را به سوی اشتغال غیررسمی کشانده است (جمالی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۸). از دیگر عوامل موثر بر رشد شهرنشینی در ایران عامل مهاجرت روستائیان به شهرها می‌باشد این روند در همه شهرها بخصوص شهرهای بزرگ انجام می‌پذیرد. مهم‌ترین عاملی که باعث ترک روستائیان شده عامل اقتصادی است. با مهاجرت جمعیت روستایی به شهر بدلیل نداشتن بنیه مالی برای راه اندازی کار و حرفه و یا بدلیل عدم تخصص جذب بازار غیر رسمی اشتغال در شهرها می‌شوند.

به بخش غیررسمی به عنوان نتیجه تحولات سریع شهرنشینی و عدم انطباق نیازها با امکانات در شهرها، باید نگاهی دوگانه داشت: از یک سو، میتوان آن را به عنوان «مسئله» شهری و از سوی دیگر به عنوان یک «راه حل» قلمداد کرد. آنگاه که توجه معطوف به پیامدهای منفی این بخش باشد، (افزایش مهاجرت روستا - شهری، فرار از قوانین مالیات، بیمه و ...) این پدیده را باید مسئله شهری تلقی کرد و زمانی که توجه ما معطوف به پیامدهای مثبت این بخش (ایجاد اشتغال، کاهش فقر و ...) باشد، باید به آن، به عنوان یک راه‌حل نگریسته شود (جمالی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۰).

نقش ضعیف شهرهای کوچک در شبکه شهری ایران

در کشورهای در حال توسعه، بخاطر پراکندگی، سیستم‌های شهری به صورت بسیار نامتعادلی شکل گرفته است، شهرهای کوچک با توانمندی‌های لازم در بازار وجود ندارند بازارشهرهای کوچک به طور طبیعی توسعه نمی‌یابد،

پس سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در این قبیل بازارها بیش از پیش در امر توسعه ضرورت دارد (شکوئی، ۱۳۷۶: ۳۰۰). در هر نقطه از زمان، با توجه به سطح توسعه شهری یک کشور، ممکن است منابع به طور یکنواخت در بین شهرهای مختلف پراکنده شوند و بنابراین درجه صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید کوچک گردد. یا ممکن است منابع در یک یا چند شهر بسیار بزرگ تمرکز بیش از حد داشته باشند، که در این صورت هزینه‌های رفت و آمد، تراکم و کلاً هزینه‌های زندگی در آن شهرها بالا می‌رود و باعث افزایش هزینه‌های تولید کالاها و کاهش کیفیت ارائه خدمات شهری در آنها می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که درجه بهینه‌ای از تمرکز شهری وجود دارد که از طریق رابطه متقابل میان منافع و هزینه‌های نهایی اجتماعی ناشی از افزایش تمرکز شهری حاصل می‌گردد. تمرکز شهری بیش تر یا کم تر از حد بهینه می‌تواند هزینه‌هایی را از نظر کارایی اقتصادی و نرخ‌های رشد ملی بر اقتصاد تحمیل کند (فرهمنند و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۶). کلان‌شهرها با گرایش به ایجاد چارچوبی از زمین و سرمایه‌گذاری، آموزش مناسب و افراد متخصص را فراهم می‌نمایند تا بتوانند علاوه بر بالابردن بازدهی و سود حاصل از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تجاری تراکم را در حد قابل قبول و فضای کالبدی شهر را از لحاظ آسیب‌های زیست محیطی مصون نماید. نتایج بررسی‌ها نشان از این دارد که شرکت‌های تجاری تمایل دارند در شهرهایی فعالیت داشته باشند که نیروی کار متخصص با امکانات حمایتی خوب و زیربنای اقتصادی مناسب در آنجا فراهم باشد (Chera, 2003: 276). کلان‌شهرها تحت لوای شهرنشینی می‌توانند در ارتباط با شهرهای کوچک مزیت‌های بیشتری را کسب نمایند در کلان‌شهرها امکان سرمایه‌گذاری‌های عظیم برای تاسیس شرکت‌های تجاری برای تولید محصولات در مقیاس انبوه بالطبع کاهش هزینه‌ها را همراه با افزایش تراکم متخصصان و کارگران به دنبال خواهد داشت (سراقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

شهرها و چالش اسکان غیررسمی

از پدیده‌های عمده ناپایدار کننده شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، گونه‌ای شهرنشینی با مشکلات حاد موسوم به اسکان غیر رسمی است که بنا بر مشاهدات جهانی در حال گسترش فزاینده است. این سکونت گاه‌ها هرچند جلوه‌ای از فقر است اما بازتاب کاستی‌ها و نارسایی‌های سیاست‌های دولت و بازار رسمی نیز محسوب می‌شود (غضنفرپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). در اکثر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه بخش قابل توجهی از جمعیت در سکونت‌گاه‌هایی زندگی می‌گذرانند که به طور غیرقانونی و غیررسمی شکل گرفته‌اند و از آب لوله‌کشی و خدمات بهداشتی کمتر و یا اصلاً برخوردار نیستند. این ساکنان غالباً قادر به تامین حتی کوچک‌ترین یا ارزان‌ترین خانه‌ای نیستند که از مجرای قانونی به صورت حرفه‌ای ساخته شده و دارای تسهیلات اولیه باشند. (ایراندوست، ۱۳۸۴: ۲۱۲). پدیده حاشیه‌نشینی و یا اسکان غیررسمی از جمله معضلات اجتماعی و شهری امروز است. این معضل از دهه ۱۳۴۰ در جامعه ایران بر اثر بروز یک سلسله عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش یافته است. در کشور ما اسکان غیررسمی با رشدی سریع‌تر از رشد شهرنشینی مواجه بوده و برآورد می‌شود که یک پنجم جمعیت شهری که درون یا مجاور شهرها به ویژه شهرهای بزرگ به شکلی خود رو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمی تو کیفیت، زندگی می‌کنند و با عناوینی همچون حاشیه‌نشینی، اسکان غیررسمی، سکونت‌گاه‌های خودرو و نابسامان و

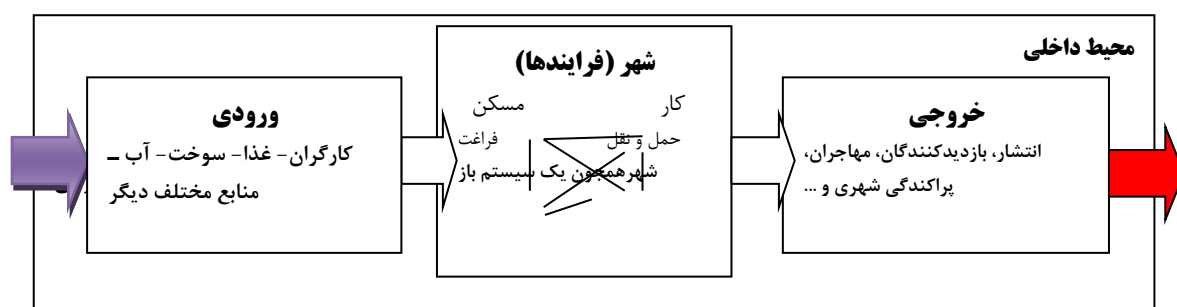
اجتماعات آلونکی نامیده می‌شود (صرافی، ۱۳۸۱: ۵). تاکنون پدیده‌ی اسکان غیررسمی در قالب دیدگاه‌های مختلفی تحلیل شده است، همچون نظریه‌های بنیادگرا که بیشتر شکل‌گیری و گسترش پدیده‌ی اسکان غیررسمی در شهرها بوده و تاثیر ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری این سکونت‌گاه‌ها را تبیین می‌کنند و دیدگاه‌های هدف‌گرا (راهبردی)، شامل مجموعه نگرش‌هایی می‌شود که بیشتر به ارائه راه‌حل می‌پردازند.

- دیدگاه‌های بنیادگرا

۱- نگرش سیستمی

سیستم، مجموعه‌ای از اجزاء است که در یک رابطه منظم با یکدیگر فعالیت می‌کند. یا سیستم، مجموعه‌ای از اجزاء مرتبط است که در راستای دستیابی به مأموریت خاصی، نوع و نحوه ارتباط بین آن‌ها بوجود آمده باشد. محیط سیستم را عواملی تشکیل می‌دهد که در خارج از سیستم قرار می‌گیرند. شناسایی محیط و عوامل محیطی معمولاً به سادگی انجام نمی‌گیرد. زیرا مرز سیستم با محیط، مرزهای ظاهری آن نیست. طبق تعریف چرچمن، محیط عوامل و اشیایی را شامل می‌شود که در رابطه خود با سیستم موثر و غیرقابل تغییرند.

افزایش حرکت‌ها و جریان‌های ورودی به سیستم ممکن است به تغییراتی در شکل و وسعت سیستم منجر شود که توسعه‌ی شهر و گسترش بی‌قواره و نامنظم آن نمونه‌ی روشنی از چنین جریانی می‌باشد (شکویی، ۱۳۷۶: ۱۵۰). اگر ما ناحیه را به عنوان یک سیستم در نظر بگیریم، انواع سکونت‌گاه‌های شهری روستایی و عشایری به عنوان زیرسیستم‌های آن عمل می‌کنند و جریان تبادل انرژی، ماده و کالا در این دیدگاه، مهاجرت‌های روستا-شهری است که در چهارچوب نظریه سیستمی تفسیر می‌شود. در عملکرد سیستم ناحیه‌ای، چهار عنصر اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری، در بروز روند مهاجرت مؤثر هستند و حاشیه نشینان شهری هم عموماً مهاجر می‌باشند. پس می‌توان نتیجه گرفت که اسکان غیررسمی محصول روابط نابرابر همین عناصر در جریان عملکرد سیستم است. (شیبانی امین و غلامی، ۱۳۹۰).



۲- دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا

در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم، بیانگر جلوه‌های از مجموعه ویژگی‌های متناقضی هستند. این شهرها در مقایسه با دیگر مناطق یک کشور از امکانات بیشتری برخوردارند و بخش اعظم منابع ثروت و قدرت را در خود جمع کرده‌اند. در عین حال انواع و اقسام فقر، نابسامانی و ناهنجاری را نیز در خود می‌پروراند (ساعی، ۱۳۷۸: ۹۷). به عبارتی قطبهای قدرت سیاسی، قطب‌های سرمایه و قدرت اقتصادی نیز هستند که محل آن بزرگترین شهر ناحیه و کشور می‌باشد. از این رو انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران از نقاط محروم به شهر می‌گردد. در شهر نیز از طریق پایین نگهداشتن سطح دست‌مزدها و افزایش تصاعدی قیمت‌ها

حلقه‌ی محرومیت را بر این قشر فاقد حامی تنگ‌تر کرده، بر شدت فقرشان می‌افزاید و آن‌ها را به اسکان غیررسمی وادار می‌کند. نتیجه اینکه اسکان غیررسمی محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری و شبه سرمایه‌داری است که به دلیل عدم حمایت نهادهای رسمی و قانونی از اقشار بهره‌ده آن‌ها از قافله توسعه عقب‌مانده یا رانده شده‌اند (شیبانی امین و غلامی، ۱۳۹۰). کستلز در پاسخ به این سوال که، چرا روستایی به رغم فقدان جاذبه شهری، دست به مهاجرت می‌زند، ضمن رد پاسخ‌های مبتنی بر قضایای شخصی و فردی، پاسخ اصلی را در بحران نظام اقتصادی، صورت‌بندی اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری می‌داند. امکان ندارد بعد از رسیدن به مرحله معینی از فرایند نفوذ اجتماعی، دو نظام تجاری متفاوت در کنار یکدیگر کارکرد داشته باشند یا اینکه، اقتصاد مبادله مستقیم (پایاپای)، هم زمان با اقتصاد بازار توسعه یابد.

- دیدگاه‌های هدف‌گرا

توانمندسازی و بهسازی مشارکتی: توانمندسازی راهکاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است. که شرایطی را فراهم می‌آورد تا زندگی اقشار کم‌درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اولویت‌بندی نیازهایشان، توسط خودشان بهبود یابد (اسکندری دورباطی، ۱۳۸۲: ۷۷). این رویکرد تقریباً ریشه در تفکر پلورالیسم یا جمع‌گرایی دارد. از این رو درصدد است تا در ساخت جامعه هیچ گروه معین و همسو از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر دیگر گروه‌های جامعه تسلط مطلق نداشته باشد (شکوئی، ۱۳۷۴: ۴۲۹).

ایجاد شهر دو گانه در جغرافیای جدید اجتماعی شهرها

هدف از بکارگیری این مفهوم، تبیین افزایش قطبی شدن جامعه شهری میان طبقه‌ی پردرآمد و کم‌درآمد شهرهاست. محققان شهری در نوشته‌های خود گاهی از مفهوم دوگانگی با عناوینی نظیر شهر روشنایی‌ها و شهر تاریکی‌ها، منطقه آفتاب چیر و منطقه رف‌گیر شهر و جامعه‌ی دو طبقه‌ای نام می‌برند (شکوئی، ۱۳۸۶: ۴۸۲). دو شاخه شدن فرصت‌های اقتصادی تاثیر ناگزیری را بر جغرافیای اجتماعی شهرها داشته است. استعاره‌ای که برای توصیف این جغرافیای جدید اجتماعی استفاده می‌شود «شهر دو گانه» است. ایده شهر دو گانه بر پایه اختلافات اجتماعی فزاینده در شهرها و همچنین پیدایش آشکار یک «قشر بی بضاعت» و جدا افتاده از مکانیزم‌های پویا در اقتصاد رسمی است. این طرد اقتصادی به معنی محرومیت از بسیاری از امکانات و تسهیلات زندگی شهری است. این قشر بی بضاعت شامل افراد کم‌درآمد و بی‌درآمد، تعداد بسیار زیاد از اقلیت‌های نژادی و گروه‌هایی از قبیل افراد بیمار، سالمندان، معلولین و والدین مجرد است (هال، ۱۳۹۲: ۲۰۰).

اختلال در فضای اکولوژیکی شهری

شهرها محیط زیست محلی و جهانی را به روش‌های مختلفی تغییر می‌دهند. اول اینکه شهرها فضا را اشغال و تغییر می‌دهند. دوم آن‌ها با وارد کردن مقادیر عظیمی از مواد غذایی، آب و انرژی، زباله و گازهای گلخانه‌ای زیادی را خارج می‌کنند. علاوه بر این شهرها بر روی انواع زیرسیستم که هرکدام به چندین خدمات و اکولوژی جهانی و محلی بستگی دارند تکیه دارد. در تجزیه و تحلیل نظام‌مند پایداری شهری باید جنبه‌های زیر در نظر گرفته شود؛ ۱- تبدیل مستقیم ساختار فیزیکی و زیستگاه ۲- استفاده از منابع طبیعی (تجدید پذیر و تجدید ناپذیر) ۳- انتشار گازهای گلخانه

ای و فاصلاب و ۴- سلامت و رفاه انسان (Alberti, 1998: 386). برای درک اقدامات و تاثیرات انسان بر اکوسیستم ها، لازم به استفاده از روش‌های توسعه یافته در علوم اجتماعی، رفتاری و اقتصادی است. چارچوب مفهومی که به صراحت شامل انسان‌هایی خواهد بود که احتمال بیشتری نسبت به کسانی که به دقت به حذف و حل مشکلات زیست محیطی می‌پردازند می‌باشد. دلایل این کشاکش آشکار است: ادراک انسان، انتخاب و عمل اغلب عاملی برای تحرک سیاست می‌باشد، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و فرهنگی که منجر به پاسخ و تغییر در سیستم‌های زیست محیطی می‌شوند (B. Grimm et al, 2000: 572).

- شهر، عدالت فضایی و توسعه پایدار

شهرها نهادهای پیچیده و پویایی هستند (Button, 2002, 218). رابرت پارک می‌نویسد که «شهر صرفاً یک شیء مصنوع نیست بلکه یک ارگانیسم است. رشد آن اساساً و به عنوان یک کل، طبیعی، کنترل‌ناپذیر و طراحی نشده است (تانکیس، ۱۳۸۸: ۵۳). بافت و ساختار شهرهای امروزی حاصل فرآیندی است که از سال‌های بسیار دور آغاز شده و تحت تاثیر نیروهای مختلفی، از قبیل زمان، اداری، اقتصادی، سیاسی و نیروی اجتماعی شکل گرفته است. این ساختار و بافت جواب‌گوی دوره‌های گوناگون تاریخی بوده و در واقع شهر، محل تجلی نیازها و اراده ساکنان آن بوده است (سلطانی و نامداریان، ۱۳۸۹: ۱۲۳). اصطلاح عدالت فضایی تا چند سال گذشته کمتر مورد استفاده بود، یا مجذوب مفاهیم مرتبطی چون عدالت سرزمینی، عدالت محیطی، بی‌عدالتی‌های شهرنشینی و کاهش بی‌عدالتی‌های منطقه‌ای می‌شد. برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی و اساسی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش عدالت هم میزان فاصله از خدمات بوده است. برخی دیگر هم عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات براساس نیازها، سلاقی و اولویت‌های ساکنان و استانداردهای خدمات‌رسانی تعریف کرده‌اند (داداش پور و رستمی، ۱۳۹۰). افزایش جمعیت شهرنشین باعث نارسایی‌ها و نابرابری‌هایی در تامین امکانات و خدمات شهری برای جامعه شهرنشین شده است. وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی در ساکنین نواحی مختلف یک شهر به هیچ وجه پدیده‌ای جدید در هیچ یک از شهرهای جهان نیست، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی و نابرابری و عدم تعادل در خدمات شهری، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است (ذاکریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲). بنابراین عدالت اجتماعی باید در برگیرنده‌ی عدالت توزیعی و تخصیصی باشد. زیرا نمی‌توان منافع عمومی، نیازها و استحقاق شهروندان را بدون معیارهای توزیعی و تخصیصی در نظر گرفت. لذا هر گونه برنامه‌ریزی شهری که مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باشد، می‌بایست بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی، استحقاق و هم در تخصیص آنها موثر باشد. از جمله عواملی که باید در جهت اجرای عدالت اجتماعی و همراه با عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری رعایت کرد، توزیع مناسب خدمات شهری و استفاده صحیح از فضاها است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۴). در نتیجه می‌توان گفت توسعه شهری زمانی می‌تواند در جهت پایداری قرار گیرد که بتواند راهکارهایی مشخص را برای تامین مطلوب نیازهای خدماتی ساکنان ارائه نماید، که به علت نگرش بخشی، ضعف ساختاری مدیریت شهری و فقدان مشارکت مردمی، سازمان‌های خدمات‌رسان شهری، نتوانستند به صورت کارآ به توزیع فضایی عادلانه خدمات بپردازند (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳). با توجه به مطالعات متعددی که در زمینه

توزیع مناسب خدمات شهری در شهرهای ایران انجام پذیرفته که تعدادی از این مطالعات در جدول شماره (۲) آورده شده توزیع خدمات در شهرهای مختلف بصورت مناسب و عادلانه بین شهروندان و نواحی شهری صورت پذیرفته است.

جدول (۲): تعدادی از مطالعات انجام شده و نتایج بدست آمده از این مطالعات در حوزه خدمات شهری در ایران				
ردیف	عنوان پژوهش	نگارندگان	سال	یافته های پژوهش
۱	تحلیل توزیع فضایی خدمات شهری در شهر کرمانشاه	مسلم رستمی و جعفر شاعلی	۱۳۸۸	توزیع خدمات عمومی در این شهر به صورت نامتعادل صورت پذیرفته است.
۲	بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت مطالعه موردی؛ مناطق شهر اصفهان	حمید رضا وارثی همکاران	۱۳۸۶	توزیع خدمات در سطح مناطق شهر اصفهان بر اساس شاخص ویلیامسون توزع نامتوازنی است.
۳	بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی در شهر زاهدان	حمیدرضا وارثی و همکاران	۱۳۸۷	آهنگ خدمات رسانی متعادل با رشد جمعیت صورت پذیرفته است.
۴	تحلیل پراکنش مکانی خدمات شهری بر مبنای خواست مردم؛ مطالعه ی موردی شهر استهبان	بزی و عبدالمهی	۱۳۹۲	سازمان های مرتبط با خدمات شهری هیچ گونه نظرسنجی از مردم در زمینه کمبود خدمات شهری در شهر انجام نداده اند و خدمات شهری نیاز مردم شهر را در حد کمی برآورده ساخته است.
۵	توزیع فضایی خدمات شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهر (مطالعه موردی مادرشهر تهران)	نفیسه مرصوصی و کاظم خزایی	۱۳۹۳	نتایج نشان دهنده توزیع فضایی نامناسب خدمات شهری در مناطق ۲۲گانه شهر تهران است
۶	تحلیل تطبیقی توزیع خدمات شهری در شهر اهواز با استفاده از تحلیل سلسه مراتبی FAHP	سعید امانپور و همکاران	۱۳۹۳	نتایج پژوهش نشان از نابرابری در میزان برخورداری از کاربری های خدمات شهری در سطح شهر را نشان می دهد.
۷	رتبه بندی مکانی خدمات عمومی و کمبود آن ها در سطح شهرها (مورد مطالعه شهر نورآباد ممسنی)	علی شمس الدینی و محمدرضا امیری فهلبانی	۱۳۹۴	میزان برخورداری محلات شهر نورآباد از امکانات دارای اختلافاتی می باشد و توزیع خدمات بصورت عادلانه نیست.

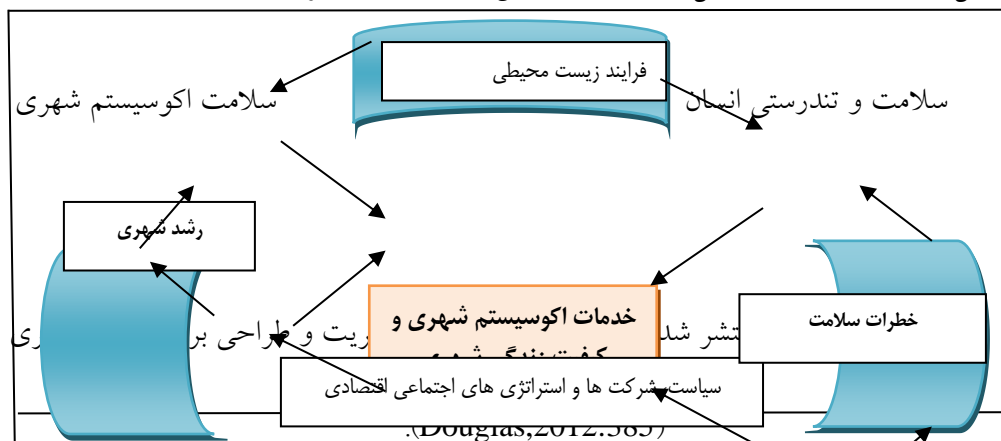
منبع: (مطالعات نگارندگان)

تاثیر ساختار شهری بر عدالت زیست محیطی

خطرات بهداشتی مرتبط با فعالیت فیزیکی و چاقی تبدیل به یک مسئله مهم در بهداشت عمومی معاصر شده است. در پاسخ، پژوهش زندگی فعال (ALR) به تازگی به عنوان فصل مشترک رشته های دانشگاهی سنتی برای مقابله با اثر بیماری همه گیر در حال رشد در سبک زندگی ظهور کرده است. این ترانس تعامل انضباطی به یک کانون پژوهش در ارتباط بین محیط ساخته شده شهری، فیزیکی و فعالیت و سلامت منجر شده است. ALR به دنبال شناسایی عوامل سیاسی، رفتاری و زیست محیطی است که خطرات بهداشتی مرتبط با کاهش بیماری های قلبی، دیابت و سرطان را در پی دارد. پارک های شهری، فضاهای باز و مسیرهای پیاده روی به عنوان فضاهای حیاتی برای فعالیت های بدنی پدید آمدند و با افزایش فعالیت بدنی ارتباط دارند. یافته ها نشان می دهد که نزدیکی و دسترسی به زیرساخت ها برای

فعالیت‌های فیزیکی همچون پارک‌ها یا مسیرهای پیاده‌روی همچنین درک ایمنی این تجهیزات، عوامل کلیدی سطح فعالیت فیزیکی در جمعیت شهری به شمار می‌رود. همچنین در حداقل برخی از شهرها، پارک‌ها، مسیرهای پیاده‌روی و انواع دیگر از فضاهای باز تفریحی دارای امکانات بیشتر، و اغلب بهتر در مناطق مرفه شهری و دارای درآمد بالا می‌باشند (Dahmann & et al,2010:431).

شکل (۱): نمودار ساده از عوامل کلیدی رابطه‌ی بین محیط زیست شهری، سلامت و رفاه انسان



قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا و سایر عوامل زیست محیطی در طول دوران کودکی، با دوره طولانی نگرانی‌های خاصی همچون کوتاهی قد، رشد و نمو اندام‌های حیاتی قلب، تنفسی را در طول دوران بلوغ بوجود می‌آورد (Jephcote & Chen,2012:141). جهانی، در سال ۲۰۱۳ ایران هشتمین کشور آلوده دنیا از نظر وضعیت هواست. در این گزارش آلودگی از نظر وجود ذرات معلق در هوا آلوده‌ترین شهر دنیا معرفی شده است. در سایت خبری محیط زیست ایران (۱۳۹۲) شهر تهران از نظر آلودگی صوتی رتبه اول را در کشور دارد. اکثر این معضلات زیست - محیطی و نیز زندگی حاشیه‌نشینی دامن‌گیر شهرهای پرجمعیت بوده و منشاء بیشتر (به جرات همه) آنها ناشی از انباشت بیش از حد جمعیت است. افزایش جمعیت و متعاقب آن افزایش وسایل نقلیه موتوری، تغییر کاربری اراضی زراعی به مسکونی، صنعتی و تجاری، گسترش کارخانجات و مشاغل صنعتی از جمله عوامل رشد آلاینده‌های زیست محیطی است.

تأثیرات اکوسیستمی بر جمعیت شهری

اکولوژی شهرها را از لحاظ سلامت و رفاه بدست آمده از فضای سبز شهری، زمین‌های پوشیده شده از گیاهان و منابع آب ارزیابی می‌کند. اکولوژی در شهرها به بررسی چگونگی ویژگی‌های موزائیک چشم‌اندازهای شهری و بخش‌های مختلف آن که بر سلامت و رفاه انسان تأثیر دارد می‌پردازد. مصرف و رفتار انسان در یک منطقه شهری می‌تواند سلامت و رفاه مردم دیگر مناطق را، به عنوان مثال از طریق انتقال زباله، تولید گازهای گل‌خانه‌ای و جریان‌های آلاینده تحت تأثیر قرار دهد. عوامل خطر اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی، فردی و اثرات جمعیت شهری در چهار مقیاس اکوسیستم شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، قطعات موزائیک شهری، مناطق ساخته شده، نواحی شهری و مقیاس جهانی. افزایش اندازه مناطق ساخته شده شهری منجر به اثرات شدید جزایر گرمایی به ویژه برای مردمی که از وسایل خنک‌کننده ناکافی در ساختمان‌ها بهره‌مندند خواهد شد. مردم شهری به روش‌های متنوع‌تری به

صورت روزمره با طبیعت تماس دارند و از آن بهره‌مند می‌شوند، اما برخی از فضاها سبز شهری هر دو فواید سلامتی و خطرات بهداشتی را ایجاد می‌کنند. با این وجود اتفاق نظر عمومی وجود دارد که یک اکوسیستم سالم شهری می‌تواند سلامت انسان و رفاه او را با توجه به اینکه بخش بزرگی از جمعیت شهری جهان در عرض جغرافیایی پائین، شهرهای کم درآمد، فقیرترین ساکنان شهری که به احتمال زیاد از تماس با بسیاری از جنبه‌های طبیعت رنج می‌برند بهبود ببخشد (Douglas, 2012: 385).

جدول (۲): عوامل خطر اکوسیستم چندسطحی و اثرات آن بر جمعیت شهری

مقیاس اکوسیستم شهری	اجزای اکوسیستم / محرک ها	شاخص های اجتماعی اقتصادی
قطعات موزائیک شهری (محلها و خانوارها)	فضای سبز شهری (پارک/باغ، زمین متروک)	شبکه های اجتماعی، سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، تراکم جمعیت، امنیت، دسترسی به خدمات بهداشتی و اجتماعی، ثروت / فقر، خشونت، جرم و جنایت
مناطق ساخته شده (تا سطح شهری)	زیرساخت های شهری: تامین آب، بهداشت، دفع زباله، مسکن، سروصدا، زیستگاه بیماری، ارائه مجوز و تنظیم خدمات اکوسیستم، محلی (جزیره گرمایشی شهری، آب و هوای منطقه ای، آلودگی آب و خاک)	اقدامات دولت شهری
منطقه شهری (نیمه شهری و شهری)	کاربری زمین و تغییر پوشش زمین، اثرات زیست محیطی توسعه شهری، بلایای ژئوفیزیک (سیل، زمین لرزه و ...)	شرایط بازار و فرصت های اشتغال، خطرات فنی، حوادث جامعه مدنی، امنیت عرضه مواد غذایی محلی، نفوذ منطقه ای و دولت ملی، مالکیت زمین و دسترسی به مواد غذایی و زمین تفریح
جهانی	تغییرات آب و هوا، آب و هوای فصلی و بین سالی، گونه های مهاجم (شاخص بیماری)	تهدید به تامین مواد غذایی و هزینه ها، تاثیر جهانی شدن، امور مهاجرت و مهاجرت، بی ثباتی بازار، رقابت منابع

(Douglas, 2012: 387)

شهرهای ایران و آینده پیوند با جهانی شدن

امروزه، جهان در مسیری قرار گرفته که روند تحولات آن حاکی از تبدیل زمین به سیاره شهری است و جامعه روستایی، به تدریج به اقلیتی کوچک تبدیل می‌شود. بیشترین جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه استقرار یافته‌اند و در آنها شهرهای بزرگی به وجود آمده‌اند که باید آن‌ها را ابرشهرهای هزاره سوم نامید. طبیعی است در چنین حالتی، مشکلاتی نظیر تسلط شهری، عدم تعادل در نظام سلسله مراتب شهری، تمرکز جمعیت، مهاجرت های روستا شهری و مشکل مسکن به عنوان حادثترین مشکل ممکن در سیمای جامعه شهری جلوه‌گر می‌شود و تلاش همه جانبه و برنامه‌ریزی شده‌ای را در جهت رفع این تنگناها طلب می‌نماید (سرمست و زالی، ۱۳۸۹: ۶۰). به نظر می‌رسد که در عصر جهانی شدن اقتصاد، رقابت بیش‌تر و شدیدتری برای جذب سرمایه گذاری بین شهرها در خواهد گرفت (سیف الدینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۱). وقتی این فعالیت‌ها در مراکز کلان شهری متمرکز شوند، عوامل گوناگونی برای حفظ این تمرکز مشارکت می‌کنند. همه این عوامل با هم ترکیب می‌شوند تا شهرها را به مکان‌های کار و اقامت نخبگان حرفه‌ای و اجتماعی و مدیران اقتصادی جهان مبدل سازند (هادیانی، ۱۳۸۴: ۳۷).

جهانی شدن باعث شده که میزان سرمایه‌گذاری، کالا، سیاست‌گذاری، اشتغال و فناوری‌ها به طور ناهمسان و نامتوازنی در مناطق مختلف جهان توزیع شود. آثار این مساله در شهرها به صورت استقرار شرکت‌های بزرگ و چندملیتی و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها، در تعداد معدودی از شهرها که همان شهرهای بزرگ هستند و تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری، افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه باشد. رشد شهرنشینی در ایران تشابه زیادی با شهرهای کشورهای توسعه نیافته دارد. رشد شهر بزرگ تهران و چند شهر بزرگ دیگر باعث تمرکز شهرنشینی در چند ناحیه از کشور شده و مانع رشد مناطق و شهرهای کوچکتر شده است. شهرهای بزرگ ایران با ورود به روند جهانی شدن با توجه به تمرکز بالای جمعیت و امکانات در این شهرها و بوجود آمدن نظام نخست شهری و از بین رفتن نظام متعادل سلسله مراتب شهری که گریبان‌گیر شبکه شهری ایران شده و همچنین عدم تعادل در پخش امکانات و تسهیلات مختلف درپهنه سرزمینی و همچنین عدم توجه به توانمندی‌های شهرهای کوچک و میانی، وضعیت تسلط این شهرها بر شبکه شهری با ورود به فرآیند جهانی شدن بیشتر شده و با توجه به این که فرآیند جهانی شدن به تعدادی از شهرها توجه بیشتری خواهد داشت این نگاه باعث تقویت این شهرها و تثبیت وضعیت کنونی و یا حادث شدن شبکه شهری خواهد شد. شهرهای بزرگ ایران دارای نیروی کار زیاد و متنوع برای شرکت‌ها و کارخانه‌های بزرگ، همچنین دارای منابع و زیرساخت‌های مناسب برای تمام مراحل فرایند تولید می‌باشند. تاسیس شرکت‌ها در شهرهای بزرگ بر اقتصاد شهری تاثیر می‌گذارد و بهره‌مندی از طیف گسترده‌ای از خدمات عمومی در پائین آوردن هزینه نسبت به شهرهای کوچک موثر است.

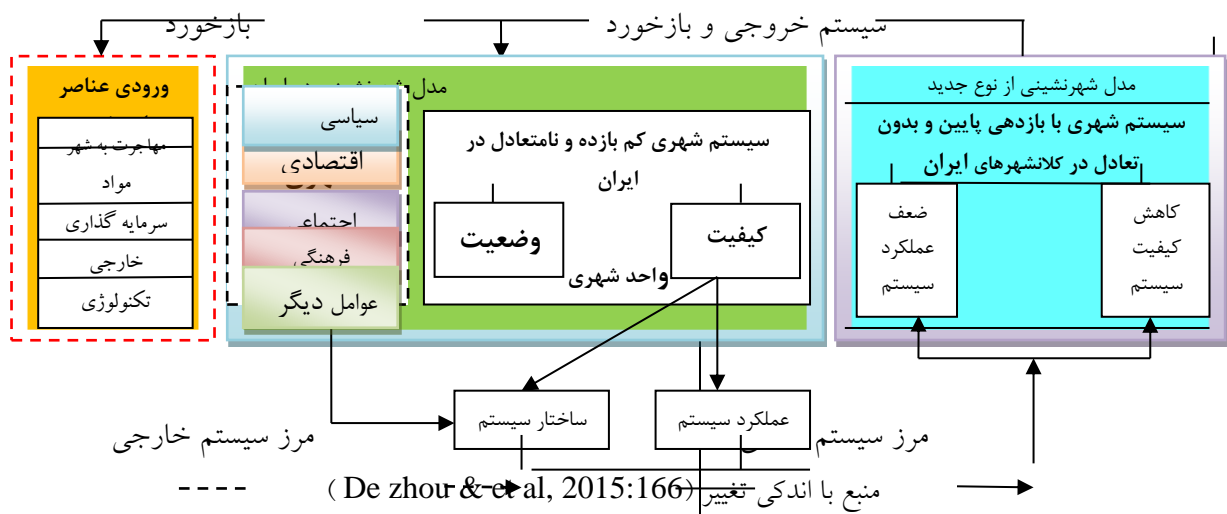
تاثیر تئوری جهانی شدن بر محیط شهری

و با توجه به اینکه مرکز اصلی فرایند جهانی شدن شهرها می‌باشند و با توجه به جمعیتی که در شهرها به خصوص شهرهای بزرگ ساکنند این فرایند در این شهرها سرعت بیشتری پیدا می‌کند و به آلودگی محیط زیست شهری در این شهرها منجر می‌شود.

در قرن بیستم و قرن حاضر نیز کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از جمله ایران و کشورهای همسایه از این قانون جدا نبوده‌اند، به گونه‌ای که رشد پرشتاب جمعیت شهری این کشورها هدایت شده و در چهارچوب نظام برنامه‌ریزی جامع ملی خود بر پایه‌ی هماهنگی‌های بخشی و منطقه‌ای انجام نشده است. با توجه به این نوع از الگوی توزیع جمعیت، طبیعی است که به دنبال تمرکز فعالیت‌ها و سرمایه در اطراف چند شهر بزرگ، حرکت‌های جمعیتی به سوی این مراکز خواهد بود. بدین ترتیب این الگوی جمعیتی، زمینه‌ی خلاء جمعیتی و کارکردی در سطوح متوسط و پایین کانون‌های شهری را به وجود می‌آورد و سلسله مراتب شهری، این گونه کشورها را گرفتار بحران می‌کند. ناکارایی سکونت‌گاه‌های بسیار کوچک و تنگنا و پیچیدگی سکونت‌گاه‌های بسیار بزرگ، همچنین دردهای ناشی از رشد و افول به این اندیشه انجامیده است که شهر می‌تواند همانند یک موجود زنده اندازه‌ی مناسبی داشته و رشد شهر در چنین اندازه‌ای پایدار شود (لینچ، ۱۳۸۴: ۳۱۳). شکل ۳ توسط آقای دی ژو و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی کیفیت شهرنشینی با توجه به ساختار و عملکرد شهرها ارائه شده که نویسندگان مقاله حاضر با اندکی تغییر این مدل را برای تغییر ساختار و عملکرد شهرهای ایران با ورود به عصر

جهانی شدن مورد استفاده قرار داده‌اند. این شکل نشان‌دهنده رابطه‌ی پیچیده ساختار، عملکرد و کیفیت در یک سیستم شهری می‌باشد. ساختار پایه سیستم، عملکرد هسته و کیفیت نتیجه نهایی تکامل سیستم می‌باشد. شکل ۳ حاکی از آن است که با ورود عناصر جهانی شدن (مهاجرت، مواد، سرمایه‌گذاری خارجی، تکنولوژی، فن‌آوری ارتباطات و سایر عوامل) به شهرهای ایران مدل شهرنشینی ایران که مدل کم بازده و دارای سیستم نامتعادل نسبت به سیستم سنتی و یا سیستمی که قبل از ورود مدرنیسم بر شهرهای ایران حاکم بود می‌باشد خروجی این مدل شهرنشینی پایین تر رفتن کیفیت سیستم (عملکرد و ساختار) شهری بخصوص در کلان‌شهرهای ایران خواهد شد.

شکل ۳- یک مدل مفهومی که نشان از انتقال از شهرنشینی حال حاضر ایران به شهرنشینی جدید حاصل از جهانی شدن



کیفیت سیستم یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه شهرنشینی است. در مقایسه با شهرنشینی سنتی، شهرنشینی از نوع جدید تاکید دارد بر (۱) تمرکز و افزایش نرخ شهرنشینی (۲) کاهش استانداردهای کیفیت زندگی برای ساکنان شهر و روستا (۳) ترویج مدل توسعه اقتصادی تک قطبی و رشد بیشتر نظام نخست شهری بر سلسله مراتب شهرهای ایران.

جهانی شدن و پیکربندی فضایی دوباره ناحیه شهری

حومه ممکن است به عنوان یک نتیجه از مدرنیسم دیده شود، شهرهای مدرن با رشد سریع جمعیت در مناطق پیرامونی خود و با مهاجرت داخلی از مناطق هسته ای شهر مشخص می‌شود. بنابراین کمربند حومه و ساختار فضایی در حال توسعه شهر دارای یک خصوصیت و ثروت خاص برای شهر مشخص می‌شوند. حومه در دوران مدرن دارای عملکردی وابسته به مرکز شهر و تنها دارای سطح کمی از زیرساخت‌ها و خدمات می‌باشند که در کمربند بیرونی شهر یافت می‌شود.

در مقابل شهر پست مدرن یا پست فوردیسم، دارای یک روند و ساختار فضایی متفاوت می‌باشد. جمعیت با موقعیت اجتماعی بالا به پشت مراکز شهرها جایی که روند نوسازی انجام می‌شود مهاجرت می‌کنند. از سوی دیگر یک فرایند با شتاب زیاد از تفکیک قطبی و اجتماعی انجام می‌شود. اجتماعات محصور، توسعه یافته، فضای عمومی به بخش خصوصی واگذار شده و جزایر فقر را می‌توان در سراسر بافت شهری یافت کرد. تکه تکه شدن مشخصه اصلی یک تراکم شهری پست مدرن است. روابط کارکردی در مجمع الجزایر شهری مانند یک شبکه با یک سلسله

مراتب نسبتاً مسطح اما با گره کاملاً متفاوت (پارک‌های فن آوری، املاک اداری، شهرها، مراکز تفریحی). مدرنیزم و پست مدرنیسم بی‌ارتباط با جهانی‌شدن نیستند و در واقع زمینه‌های شدت گرفتن جهانی‌شدن را فراهم کرده‌اند (زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۳۷). با ورود مدرنیسم به ایران در دوران پهلوی شهرها تغییرات چشمگیری را به خود دیدند و شدت این روند روز به روز بیشتر شد تا امروزه که می‌بینیم خیلی از شهرهای ما دارای مشکلات فراوانی در جنبه‌های گوناگون می‌باشند. بنابراین شهرهای کشور ما با طی این دوران وارد چرخه و روند جهانی‌شدن می‌شوند و با ورود به این روند باز شهرها تغییراتی هم‌سو با آن پیدا می‌کنند که این تغییرات کمی متفاوت با تغییراتی است که شهرهای کشورهای اروپایی با ورود به این چرخه به خود دیده‌اند.

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کلان شهرهای ایران در زمینه‌ی فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرا، موضوعاتی چون فقر، بدمسکنی، آلودگی‌های بصری و... هستند که فراروی نظام مدیریت کلان شهرها قرار دارند. با توجه به ساختار اداری و الگوی غالب مدیریت سرزمین و نیز به دلیل گسترش محدوده‌ی مجموعه‌های شهری کشور در فراسوی مرزهای قلمرو حکومتی واحد و گسترش آن در حد چندین شهرستان، تفرق و تعدد واحدهای تصمیم‌گیر یکی از چالش‌های عمده کلان شهرهاست. اکنون مدیریت و اداره‌ی امور پهنه‌ی مجموعه‌های شهری بین قلمروها و واحدهای متعدد حکومتی مانند شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، بخشدارهای، دهرداری‌ها تقسیم شده است که این خود بزرگ‌ترین چالش فراروی مدیریت کلان شهری ایران است (اسدی، ۱۳۸۳: ۴۵). به نظر شورت، تهران قابلیت‌های ورود به جرگه‌ی شهرهای جهانی را دارد، لیکن ایده‌ئولوژی حاکم بر روابط بین‌المللی کشور با جهان اجازة‌ی نقش‌آفرینی به آن رانمی‌دهد. شناخت هریس از شهر تهران محدود به ویژگی‌های کالبدی و مشکلاتی بوده است که عموم شهروندان تهران هم بر آن آگاه‌اند. او کمتر از مسائل شهری تهران در امور مدیریت شهری آگاه است و ضمن عباراتی محافظه‌کارانه، از بیان موانع و مسائل موجود پیشروی کلان‌شهر تهران برای ورود به شبکه‌ی شهرهای جهانی پرهیز نموده است. اما این واقعیت را باید آشکارا بیان می‌نمود که کلان‌شهر تهران با وجود داشتن منابع انسانی و اقتصادی، از بسیاری از کلان‌شهرهای خاورمیانه و جهان فاصله گرفته و عقب افتاده است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۴). با توجه به اینکه نگاه هریس نگاهی صرفاً کالبدی می‌باشد و به جایگاه و موقعیت استراتژیک ایران توجه نمی‌کند و همچنین به پتانسیل‌هایی که شهرهای ایران بخصوص تهران برای فرماندهی منطقه ای دارا می‌باشند توجهی ندارد. مدیریت خوب شهری می‌تواند در کاهش اثرات منفی جهانی‌شدن نقش به‌سزایی بر عهده بگیرد و با توجه به تفاوتی که از لحاظ ساختاری و عملکردی بر شهرهای ایران بخصوص کلانشهر تهران نسبت به شهرهای اروپایی دارد می‌توان با حکمروایی خوب شهری گامی در جهت توسعه پایدار شهرهای ایران و کاهش تأثیرات منفی جهانی‌شدن بر این شهرها برداشته شود.

بورس بازی زمین و تشدید در روند کالایی شدن زمین

جاذبه کلان شهرها، کسب درآمد پایدار، رفاه و امکانات شهری، این جملات امیدهای است که افراد در پی کسب آن شهر و دیار خویش را ترک می‌کنند تا به این اهداف دست یابند اما در گپرو دار دست یابی به این اهداف با مشکلات عدیده‌ای نظیر بالا بودن هزینه اسکان و اقامت در کلان شهرها مواجه می‌شود و این آغاز حاشیه‌نشینی است. این افراد بخاطر هزینه بالای زمین و مسکن به حاشیه شهر رانده شده و در زمین‌های زراعی و ملی مسکن می‌

گزینند. از دیگر عوامل گسترش حاشیه‌نشینی در کلان‌شهر تهران می‌توان به گسترش شبکه معابر اشاره کرد. همچنین ایجاد بزرگراه بدون در نظر گرفتن نیاز منطقه، بورس‌بازی زمین و دست‌اندازی به اراضی ملی را افزایش داده است. امروزه با توجه به افزایش زوزافزون جمعیت و تقاضای گوناگون برای این نهاد در بخش‌های گوناگون اقتصادی از یک طرف و تقاضای سوداگری زمین از طرف دیگر، مسئله کمیابی و محدودیت زمین را ملموس‌تر کرده و سیاست‌های موثر دولت را در هر یک از طرف عرضه و تقاضا می‌طلبد (فراهانی فرد، ۱۳۸۷: ۱۰۵). در این میان شهر تهران به عنوان یک قطب تمرکز امکانات در سطح کشور عمل می‌کند و به جذب همه خدمات و امکانات شهری باعث عدم توازن در پراکنندگی امکانات شهری در سطح کشور شده است و به تبع آن با این امتیازی که نسبت به دیگر کلان‌شهرهای ایران دارد به عنوان یک قطب جاذب جمعیت در سطح کشور عمل می‌کند. با هجوم جمعیت به این کلان‌شهر و نیاز این جمعیت به سرپناه باعث افزایش بورس‌بازی زمین و به تبع آن افزایش قیمت مسکن و زمین در این کلان‌شهر می‌شود.

شهرهای ایران و رویای توسعه پایدار

میانگین جهانی شهرنشینی در کشورهای دنیا ۶۰ درصد است این در حالی است که در کشور ما شهرنشینی به ۷۳ درصد رسیده است و این امر به معنای فاصله گرفتن از توسعه پایدار است* (www.seratnews.ir). کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، اصول زیر را به عنوان ویژگی‌های ضروری یک شهر پایدار عنوان می‌کند:

- ۱- افزایش فرصتهای اقتصادی و اجتماعی، به‌گونه‌ای که ساکنان شهری را پوشش دهد.
- ۲- کاهش سهم انرژی در رشد شهری؛
- ۳- استفاده بهینه در مصرف آب، زمین و سایر منابعی که مورد نیاز چنین رشد شهری است؛
- ۴- کمینه کردن میزان تولید زباله و فاضلاب و بیشینه‌کردن بازیافت از پسماندها؛
- ۵- ایجاد سیستم‌های مدیریت با قدرت و کارایی کافی جهت نیل به اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی؛
- ۶- سوق دادن فن‌آوری‌های مورد استفاده در شهر به سمت اهداف توسعه پایدار؛
- ۷- تقویت توان مناطق مختلف شهری، در راستای جلوگیری یا پاسخ‌گویی به تهدیدات و اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، که در نتیجه‌ی عوامل طبیعی یا انسانی به‌وجود می‌آیند، همچنین انعطاف-پذیری در روبرویی با اختلالات غیر منتظره در سیستم شهر (عزیزی، ۱۳۸۰: ۲۲). اگر بخواهیم شهر پایدار را با توجه به شاخص‌های ارائه شده توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در شهرهای ایران مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که مسائل و مشکلات موجود در شهرها نشانگر عدم تحقق مشخصه‌های پایداری در آنهاست. مشکلاتی همچون افزایش بیکاری و کاهش فرصت‌های اقتصاد و اجتماعی برای شهروندان، افزایش آلودگی هوا، افزایش تولید زباله، ضعف مدیریت شهری، از بین رفتن زمین‌های باکیفیت در اطراف شهرها باعث شده که دسترسی به پایداری در شهرهای ایران تا حال حاضر دور از دسترس باشد.

تجزیه و تحلیل

در ایران با توجه به اینکه شهرنشینی دارای برخی آثار مثبت محدود بوده است ولی متأسفانه آن‌ها تحت‌الشعاع تسلط منفی شهرنشینی از جمله؛ توسعه ناپایدار زمین، ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی بخصوص در پایتخت (به عنوان مثال، محله‌های فقیرنشین) و افزایش فقر شهری، بیکاری، تسلط اقتصاد غیررسمی، آسیب‌پذیری شهرها، آلودگی، و آب ناکافی قرار گرفته است. در بدترین موارد ضعف سیاست‌ها در سطح کلان با ظرفیت محدود برنامه‌ریزی موسسات در آسیب‌پذیری شهرها، مانند ناکافی بودن آب آشامیدنی در برخی شهرها، شرایط آلودگی هوا، افزایش فقر شهری و بیکاری منجر به تشدید آسیب‌پذیر بودن شهرها شده است. روند فعلی شهرنشینی در ایران نشان می‌دهد که ادامه این روند سیاست‌گذاران و مدیران شهری را با مشکلات زیادی در آینده نزدیک مواجه می‌سازد.

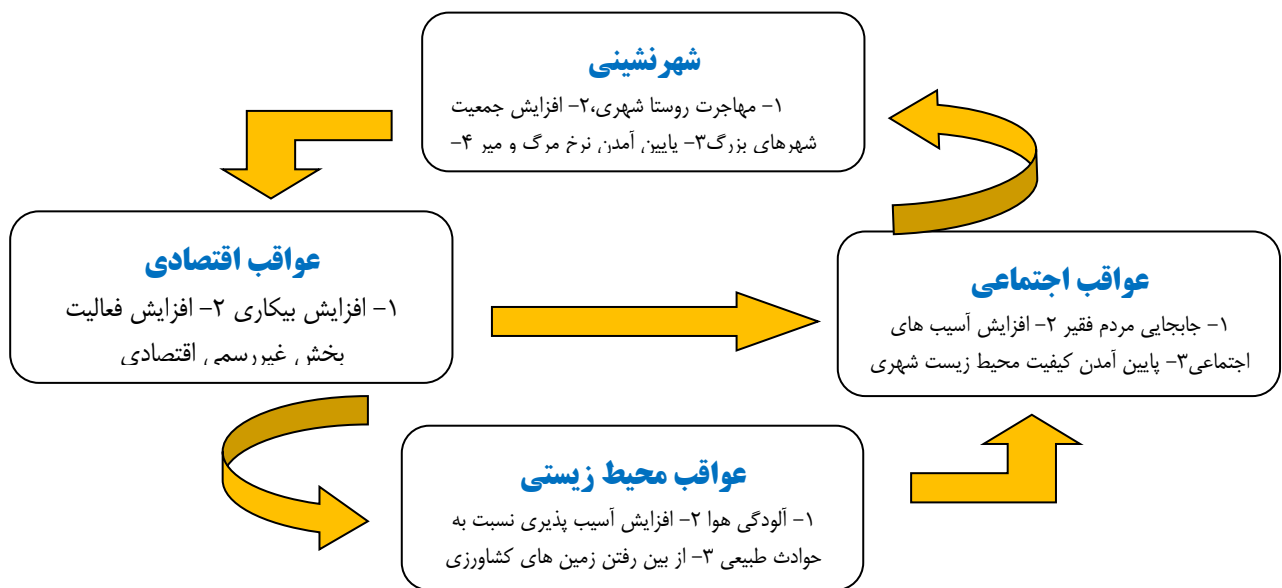
توسعه جمعیتی و اقتصادی شهرهای بزرگ نه بخاطر رشد و توسعه شهرهای کوچک و متوسط و تبدیل شدن آن‌ها به شهرهای بزرگ بلکه خود حاصل تمرکز هر چه بیشتر جمعیت در شهرهای بزرگ ایران و به تبع آن جذب هر چه بیشتر خدمات و شاخص‌های اقتصادی در این شهرها و رشد غده وار این شهرها بخصوص شهر تهران در شبکه شهری ایران است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که با ورود عناصر جهانی شدن (مهاجرت، مواد، سرمایه‌گذاری خارجی، فن‌آوری، فن‌آوری ارتباطات و سایر عوامل) به شهرهای ایران مدل شهرنشینی ایران که مدل کم‌بازده و دارای سیستم نامتعادل نسبت به سیستم سنتی و یا سیستمی که قبل از ورود مدرنیسم بر شهرهای ایران حاکم بود می‌باشد با ورود شهرها بخصوص کلان‌شهرها به روند جهانی شدن اقتصاد خروجی این مدل شهرنشینی باعث پایین‌تر رفتن کیفیت سیستم (عملکرد و ساختار) شهری بخصوص در کلان‌شهرهای ایران خواهد شد. و جهانی شدن باعث ضعف عملکرد سیستم شهری در ایران خواهد شد.

نتیجه‌گیری

شهرنشینی در ایران ارزش تعمق دارد. هر چند مطالعات چندی در مورد افزایش شهرنشینی در ایران انجام شده است، اما آن چیزی که می‌توان از این روند دریافت کرد سهم بزرگی است که شهرها در جذب جمعیت آینده ایران بر عهده خواهند داشت، با توجه به روندی که شهرها در افزایش جمعیت به سرعت طی می‌کنند افزایش بی‌سابقه جمعیت در آینده قابل پیش‌بینی خواهد بود. اثرات متقابل چند عامل از جمله؛ رشد طبیعی جمعیت، کشش (به عنوان مثال، توسعه نامتوازن فضایی مناطق شهری و روستایی، دریافت فرصت‌های اقتصادی در شهرها) و فشار (به عنوان مثال؛ کشاورزی بدون سود، خشکسالی، گزینه‌های معیشتی محدود در مناطق روستایی)، باعث تسریع و گسترش سریع و غیرهدایت‌شونده شهرها در ایران شده است. شناخت چالش‌های شهرنشینی سریع به همان اندازه که نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست بازی می‌کند نقش مهمی نیز در تدوین سیاست‌ها و پیاده‌سازی توسعه پایدار شهری خواهد داشت، ظرفیت‌سازی نهادهای برنامه‌ریزی شهری در ایران و به رسمیت شناختن تهدیدها و مدیریت سریع برای پیشبرد رشد اصولی غیرهدایت‌شونده شهرنشینی به شیوه‌ای پایدار، و توانمندسازی موسسات برنامه‌ریزی برای اجرای سیاست‌های شهری در مواجهه با پیچیدگی‌های حاصل از رشد و توسعه شهرنشینی در شهرهای ایران از دیگر راه‌کارهای برخورد با مشکلات شهری خواهد بود. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پدیده شهرنشینی در ایران یک فرایند به رسمیت شناخته‌ی پیچیده و پویا می‌باشد. فرایندی که پیامدهایی برای بقای انسان و محیط زیست طبیعی خواهد داشت و شهرنشینی نه صرفاً یک واقعه‌ی طبیعی است. شهرهای

بزرگ ایران با ورود به روند جهانی شدن با توجه به تمرکز بالای جمعیت و امکانات در این شهرها و بوجود آمدن نظام نخست شهری و از بین رفتن نظام متعادل سلسله مراتب شهری که گریبانگیر شبکه شهری ایران شده و همچنین عدم تعادل در پخش امکانات و تسهیلات مختلف در پهنه سرزمینی و همچنین عدم توجه به توانمندی های شهرهای کوچک و میانی، وضعیت تسلط این شهرها بر شبکه شهری با ورود به فرآیند جهانی شدن بیشتر شده و با توجه به این که فرآیند جهانی شدن به تعدادی از شهرها توجه بیشتری خواهد داشت این نگاه باعث تقویت این شهرها و تثبیت وضعیت کنونی و یا حادثر شدن شبکه شهری خواهد شد.

شکل (۲): افزایش شهرنشینی نامتعادل در ایران و عواقب انسانی و زیست محیطی آن



پیشنهادها

- ✓ تدوین استراتژی و خط مشی ملی در رابطه با شهرنشینی و مهاجرت داخلی در ایران با تاکید بر توجه به مناطق در حال رشد حاشیه شهرها.
- ✓ دولت باید بدنبال استراتژی اقتصادی برای تعادل در توسعه شهری و روستایی و همچنین توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار باشد.
- ✓ مرور و بازنگری برنامه توسعه روستایی ایران به منظور ارتقاء مدیریت مهاجرت‌های از روستا به شهر.
- ✓ استفاده از تجربیات بین‌المللی به منظور تقویت پاسخ کشور به مسایل شهرنشینی و مهاجرت داخلی امری ضروری و در اولویت است.
- ✓ توسعه شهرهای کوچک در توزیع مکانی بهینه جمعیت نقش موثری را برعهده دارد و سیاست الگوی پراکنده‌تر توسعه شهری را از طریق تشویق رشد شهرهای میانه را شهرهای کوچکتر دنبال می‌کند.
- ✓ توجه بیشتر به مناطق کمتر توسعه یافته در جهت کاهش نابرابری های منطقه ای
- ✓ ارائه سیاست‌های لازم برای توسعه پایدار مناطق شهری در جهت کاهش مخاطرات محیطی، اجتماعی و اقتصادی

منابع

- اسدی، ایرج (۱۳۷۳). راهبرد منطقه‌گرایی در حکمروایی مناطق کلان شهری. فصل‌نامه‌ی پژوهشی تحلیلی، آموزشی، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری. شماره‌ی ۱۷.
- اسکندری دو رباطی، زهرا (۱۳۸۱)، سیاست‌های بانک جهانی در خصوص توانمند سازی. فصلنامه هفت شهر شماره ۸.
- برزگر، زهرا، (۱۳۹۱)، شهرنشینی و تاثیرات آن بر امنیت غذا، آب و انرژی در ایران نمونه موردی: شهر شیراز، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵
- جمالی، فیروز، صدرموسوی، میرستار و لیوارجانی، پروین دخت، (۱۳۸۸)، بررسی ویژگی های اجتماعی - اقتصادی شاغلان بخش غیررسمی در مادرشهر تبریز (نمونه موردی سبزه میدان)، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، سال ۱۴، شماره ی ۲۹، صص ۸۷-۱۱۵
- خاکپور، براتعلی، مافی، عزت الله و باوان پوری، علی رضا، (۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله ای، (نمونه؛ کوی سجادیه مشهد)، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۲
- ذاکریان، ملیحه، موسوی، میرنجف و باقری کشکولی، علی، (۱۳۸۹)، تحلیلی بر پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در محلات شهری میبد از منظر توسعه پایدار، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره دوم

- رهنمایی، محمدتقی، محمدپور، صابر و اسکندری، حافظ، (۱۳۹۰)، تحلیل نقش مهاجرت در زمینه سازی برای پیدایش آسیب های اجتماعی شهرنشینی شتایان در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول
- زیاری، کرامت الله و یوسفی، علی، (۱۳۸۲)، توسعه کالبدی تهران در فرایند مدرنیسم، پست مدرنیسم و جهانی شدن، فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا، شماره
- زکی، محمدعلی، (۱۳۹۱)، اثر مهاجرت بر ساخت اجتماعی اقتصادی جوامع شهری (مطالعه موردی: مقایسه شاهین شهر با خمینی شهر)، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۱۲-۸۳
- ساعی، احمد (۱۳۷۸)، مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم. انتشارات سمت. تهران.
- سالنامه های آماری سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰
- سراقی، عیسی، ابوالفتحی، داریوش و ملکی، حسین، (۱۳۸۸)، فرآیند جهانی شدن و تاثیر آن بر روند شهرنشینی در کلان شهرهای کشورهای در حال توسعه (نمونه موردی: کلان شهر تهران)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ج ۱۰، شماره ۱۳
- سرمست، بهرام و زالی، نادر، (۱۳۸۹)، انتظام فضایی شبکه شهری و برنامه ریزی جمعیتی در افق ۱۴۰۰؛ مطالعه ی موردی آذربایجان، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۸
- سیف الدینی، فرانک، میره، محمد و پورشیخانی، زهرا، (۱۳۸۶)، جغرافیا، شهر و برنامه ریزی شهری در بستر جهانی شدن، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۰، صص ۶۲-۷۵
- شکوئی، حسین، (۱۳۷۶)، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران
- شیبانی امین، عیسی و غلامی، امین، (۱۳۹۰)، اسکان غیررسمی، علل، پیامدها و راه حل ها، سومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، شهر پایدار چیست؟، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴
- ضرابی، اصغر، ایزدی، ملیحه، ابوالحسنی، (۱۳۹۱)، تعیین میزان برخورداری مناطق شهری اصفهان از شاخص های فرهنگی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال بیست و هفتم، شماره ۳ (پیاپی ۱۰۶)
- فراهانی فرد، سعید، (۱۳۸۷)، ساختار بازار زمین در اقتصاد اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۱
- فرهمنند، شکوفه، طیبی، سیدکمال و اکبری، نعمت الله (۱۳۸۸)، تاثیر نخست شهری بر رشد اقتصادی کشور، تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۴، شماره ۸۷، صص ۱۳۷-۱۱۵
- غضنفر پور، حسین، کمانداری، محسن و علیمرادی، معصومه، (۱۳۹۱)، اسکان غیررسمی چالش فراروی شهرها (مطالعه موردی محله شهرک صنعتی کرمان، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال دوم، شماره ۲

عزیزی، محمد مهدی، (۱۳۸۰)، توسعه‌ی شهری پایدار. برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهانی، صفه، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، سال یازدهم، شماره ۳۳، پاییز و زمستان
 لنینچ، کوین، (۱۳۸۴)، تئوری شکل شهر، ترجمه؛ بهرامی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
 مافی، عزت‌الله وحامی‌نژاد، حسین (۱۳۷۹). جهانی شدن اقتصاد و سازمان‌یابی قضایی شهرهای ایران. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا. دانشگاه فردوسی مشهد.
 محمد بیگی، علی اعظم (۱۳۷۴)، « جایگاه بخش غیررسمی در اقتصاد ایران»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۹

محمدی، حمیدرضا، حیدری فر، محمدرئوف و حیدری، شهریار (۱۳۹۱)، جهانی شدن و سرزمین سازی در جغرافیای سیاسی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۱۰۲-۸۵
 نظریان، اصغر، (۱۳۷۲)، شبکه شهری و نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران، مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱

نظریان، اصغر، (۱۳۸۸)، پویایی نظام شهری ایران، انتشارات مبتکران، چاپ اول، تهران
 هادیانی، زهره (۱۳۸۴)، تاثیرات جهانی شدن بر فضای کلان شهرها (قسمت دوم)، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۷۱،

هال، تیم، (۱۳۹۲)، جغرافیای شهری، مترجمین: سائلی، علی رضا، امیرحاجلو، الهام و زنگانه، ابوالفضل، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه تربیت معلم، تهران
 وارثی، حمیدرضا، زنگی آبادی، علی و یغفوری، حسین، (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی، مورد؛ زاهدان، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، صص ۱۵۶-۱۳۹

Alberti, M, Advabces in Urban Ecology; Integrating Humans and Ecological Processes in Urban Ecosystems, University of Washington, Seattle, Washington, USA

Banerjee, B., 1983. The role of the informal sector in the migration process: a test of probabilistic migration models and labour market segmentation for India. Oxford Economic Papers 35, 399-422.

Broadhead, L – Anne, International Environmental Politics , The Limits of Green Diplomacy ,(2002), London : Lynne Rienner Publishers.

Button, K,(2002), City management and urban environmental indicators, Ecological Economics 40, 217-233

Conelly, S. (2007). Sustainable development as a contested concept. Local Environment, 12(3), 259e279.

Dahmann, N, Wolch, J, Joassart-Marcelli, P, Reynolds, K & Jerrett, M,(2010), The active city? Disparities in provision of urban public recreation resources, Health & Place 16 ,431-445

- Deacon, B. (1997). *Global Social Policy, International Organizations and the Future of Welfare*, London: Sage
- De Zhou, Jianchun Xu, Li Wang & Zhulu Lin, (2015), Assessing urbanization quality using structure and function analyses: A case study of the urban agglomeration around Hangzhou Bay (UAHB), China, *Habitat International* 49 (2015) 165e176
- Dreher, A., Schneider, F., (2010). Corruption and the shadow economy: an empirical analysis. *Public Choice* 144, 215–238.
- Douglas, I (2012), Urban ecology and urban ecosystems: understanding the links to human health and well-being, *Current Opinion in Environmental Sustainability*
- Elgin, C & Oyvat C, (2013), Lurking in the cities: Urbanization and the informal economy, *Structural Change and Economic Dynamics*, 27, 36–47
- Grimm, N. B., Faeth, S. H., Golubiewski, N. E., Redman, C. L., Wu, J., Bai, X., & Briggs, J. M. (2008). Global change and the ecology of cities. *Science*, 319(5864)
- Hart, K., (2008). Informal Economy. In: Durlauf, S.N., Blume, L.E. (Eds.), *The New Palgrave Dictionary of Economics*. , 2nd ed. Palgrave Macmillan, New York.
- Jephcote, Calvin & Chen, Haibo, (2012), Environmental injustices of children's exposure to air pollution from road-transport within the model British multicultural city of Leicester: 2000–09, *Science of the Total Environment* 414, 140–151
- Lipton, M., (1976). *Why Poor People Stay Poor: Urban Bias in World Development*. Harvard University Press, Cambridge, MA.
- Roberts, P, (2003) Sustainable Development and Social Justice: Spatial Priorities and Mechanisms for Delivery, *Sociological Inquiry*, Vol. 73, No. 2
- Song, Y, (2011), Ecological city and urban sustainable development, *International Conference on Green Buildings and Sustainable Cities*
41. Stratmann, B. (2007). *Megastädte: Größe ohne Klasse? Zur Soziologie der Megaurbanisierung Wissensstand und aktuelle Forschungsprogramme*. Hamburg UN-HABITAT (2008a). *State of the world's cities 2008/2009. Harmonious cities*. London, Sterling: Earthscan.
- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2008). *World urbanization prospects: The 2007 revision*. New York: United Nations. Retrieved March 22, 2010, from / www.un.org/esa/population iran.unfpa.org

